

وظیفه شناسی

حق الله الاکبران تعبده ولا تشرک به شیئا
فاذا فعلت ذلك باخلاص جعل لك علي
نفسه ان یکفیک امر الدنيا والاخرة
علی بن الحسین (ع)
«نقل از کتاب من لا یحضره الفقیه»

زین العابدین (ع) فرمود : وظیفه و مسئولیت
تو نسبت به خدای بزرگ آنست که پروردگار جهان
را پرستش و عبادت کرده هرگز انباز و شریکی
برای او قرار ندهی . و اگر اینکار را از روی اخلاص و
صداقت انجام دهی خداوند کلام دنیای و آخرت ترا
کفایت می کند .

- ✦ وظیفه چیست و چگونه بوجود می آید ؟
- ✦ انسان و یک دنیا وظیفه
- ✦ وظیفه شناسی از نظر تعلیم و تربیت نوین
- ✦ روش تربیتی قرآن و وظیفه شناسی

سعادت و آسایش خانوادگی مانند بسیاری از عناوین دیگر هرگز نمیتواند از ایده
یک عامل باشد . بلکه عوامل متعددی دست ییکدیگر داده آنرا بوجود می آورند . روی این
اصل در مقاله گذشته راز همبستگی اتصادآمیز خانوادگی را معلول فداکاری و گذشت
دانست و در این مقاله راز خوشبختی خانواده را در انجام وظیفه معرفی میکنیم و عقیده داریم که
وظیفه شناسی در تحقق این عنوان کاملا مؤثر میباشد .

علاوه بر این در مقاله شماره پنجم از سال سوم رشته سخن باینجا کشید که میبایستی در

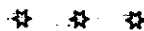
مقالات بعدی راجع بوظائف افراد خانواده گفتگو کرد. اکنون پیش از آنکه بخصوصیات وظیفه‌زن و سایر افراد خانواده بپردازیم؛ لازم دیدیم درباره اصل وظیفه‌شناسی و مباحث مربوط به آن در دو مقاله اشاره‌ای بشود، تا اصالت و نقش عمده وظیفه‌شناسی روشن شده پس از آن بیسان وظایف زن و مرد آغاز شود.

وظیفه‌چیست و چگونه بوجود می‌آید؟

زندگی انسان برخلاف زندگی گمانی حیوان دارای حد و حدودی است بطوری که میتوان گفت از درود یوا در مجتمع انسانی قید و قیود می‌یابد، مدارحیات انسانی خواهی نخواهی بروضع خاصی و قانونی معین منطبق میگردد.

اگر موضوع ادیان و مذاهب و قوانین و دستورات آنان را نادیده بگیریم باز آدمی فطرتاً و طبیعتاً پای بند مقررات و قوانین انسانی میباشد. چه هر فردی از افراد انسان در هر محیطی که واقع باشد، اوصاف و مشخصات روحی مخصوصی دارد که همان‌ها همانند زنجیر بدست و پایش افتاده قهرأصحنه زندگی انسان را از حیوان ممتاز و مشخص میگرداند عواطف عالی و غیر آنز لطیفه‌ای که در وجود انسان بکاررفته صفحه زندگی انسان را از حیوان جدا و مجزی میسازد.

از این مقدمه روشن میگردد که «وظیفه» از ارتباط انسان با مشخصات روحی او بوجود می‌آید. . . . مثلاً فرض کنید در مکانی موجودی را ناتوان و گرفتار ببینیم همین صحنه نیروی عاطفه و نوع پرستی ما را و امیدارد که در این مورد دستگیری و مساعدت بنماییم. این مساعدت در این مورد بنام وظیفه خوانده میشود و چون احساس مسئولیت از نظر وجدان بوده از وظائف انسانیت شمرده میشود؛ و اگر محرک این خدمت‌گناری قوانین دینی باشد آن از وظائف دینی تلقی خواهد شد و بعبارت دیگر میتوان گفت که وظیفه‌شناسی همان پیروی و متابعت از قوانین عقلی است، البته آنچه ادیان و مذاهب در این موضوعات بیان کرده‌اند تشریح و تفصیل همان مدارک کلی و اجمالی عقل میباشد، زیرا در هیچ دینی امور اجتماعی و مسائل زندگی آن هیچگاه از مدار منطقی عقلی تجاوز و تعطیلی نکرده است.



انسان و یگدلیا مسئولیت و وظیفه.

زندگی انسان مجموعه‌ای از وظائف و مسئولیت‌هاست و این حقیقت از ابتدائی‌ترین مراحل یعنی دوران کودکی تا آخرین مرحله زندگی یعنی پیری و ناتوانی دامنگیر انسان

میباشد ، و بطور کلی میتوان بکلیات آن اشاره کرد (۱) وظیفه انسان نسبت پیدرومادر (۲) وظیفه انسان نسبت بااستاد و آموزگار (۳) وظیفه انسان نسبت بدوستان و آشنایان (۴) وظیفه انسان درکانون زندگی خانوادگی (۵) وظیفه انسان نسبت بفرزندان (۶) وظیفه انسان نسبت بشغل و کار خود ، وهمچنین سایروظائف انسانی که درسایر شئون حیات وزندگی وجوددارد .

البته منظور اشاره بیرخی ازوظائف کلی انسان بوده والا از نظر تقسیم کلی هم بیش از این مقادارها میباشد . ولی از نظر جزئی و شخصی شاید بحقیقت بتوان ادعا کرد که در هر حرکت و سکونی برای آدمی وظیفه خاص و تکلیف تازه ای در نظر گرفته شده است .

در کتاب **تحف العقول** از علی بن الحسین (ع) درباره وظائف انسانی چنین نقل شده است:
 « اعلم رحمك الله ان لله عليك حقوقاً محیطة بك في كل حركة تحركتها
 اوسكنة سكنتها او منزلة نزلتها او جارحة قلبتها وآلة تصرفت بها بعضها
 اكبر من بعض » .

یعنی «خدا ترا بیامرزد : آگاه بوده بدان از پروردگار جهان همانا وظائف و حقوقی بر تو مقرر وثابت گردیده است وشماره این حقوق آنچنان زیاد است که تمام افعال و کردار ترانرا گرفته . در هر جنبشی و حرکتی که از تو ناشی و در هر سکون و آرامشی که بر تو عارض و در هر مکان و منزلی که فرود آئی و در هر عضوی از اعضا بدن که حرکت دهی و در هر آلتی که آنرا وسیله تصرف قرار دهی این حقوق نمایان و آشکار است گرچه برخی از این حقوق از دیگر وظائف دشوارتر و سنگین تر میباشد .

وظیفه شناسی از نظر تعلیم و تربیت نوین

بسیاری از مردم در تربیت و پرورش فرزندان خود مرتکب اشتباه و خطا میگرددند و همین غلطکاری موجب میشود که پس از تحمل زحمات سالیان دراز و مشقات فراوان نتیجه ای از تربیت فرزندان عاید ایشان نگردد و این اشتباه از اینجانشی میگردد ، که بسیاری از بدران ومادران در پرورش و تربیت کودکان متوسل بتهدید و زور شده بوسیله کتک زدن و تحقیر کردن میخواهند مقاصد تربیتی را بفرزندان تحمیل کنند ، برخی هم بتطبیع و وعده های زیبا و خوش میخواهند منظور خود را عملی سازند ، این راه علاوه بر اینکه پسندیده و مقبول نیست اصولاً کمترین نتیجه و ثمری از آن عاید نمیکردد چه اولین عکس العمل این نوع تعلیم

و تربیت‌ها آنست که کودک سعی میکند همیشه در انجام وظایف خود توسل بامری غیر از اصل وظیفه‌شناسی بجوید مثلا از دروغ‌گویی و دزدی پرهیز میکند نه از این نظر که دروغ‌گویی و دزدی زشت و ناپسند است بلکه از این جهت که شخص دروغ‌گو کتک می‌خورد و امثال این تعلیلات گر چه نمیتوان عکس العمل این کتک زدن‌ها و تحقیر کردن‌ها را در روحیه کودک نادیده گرفت ، ولی امروزه که تحول و تکامل در تمام شئون زندگی روی داده دیگر این طریقه و روش مورد پسند علما و دانشمندان تعلیم و تربیت نمیباشد روش‌های تربیتی امروز میخواهد کودک را آنچنان تربیت کند که اگر این کودک بس از چندی با اجتماع زندگی وارد شده و آن تحکم و زورگویی‌ها از میان رفته و نام‌نشان‌ی از آنها در میان نباشد باز مردی و وظیفه‌شناس و شخصی سالم بوده هیچگاه از قوانین اخلاقی سر باز نزنند .

برای رسیدن بچنین هدفی علماء فن تربیت راه نوین و روشی نو در نظر گرفته‌اند و آن طریقه اینست که بجای اینکه بقوه زور و کتک زدن و یا تطمیع و وعده توسل شود سعی میشود از همان مراحل ابتدائی روح وظیفه‌شناسی را در کودک زنده کرده و باو بفهمانند که انسان در هر حالی وظایفی بهمه دارد که میبایستی در هر حال و مقامی آنها را بجای آورد . بجای اینکه با توسل بزور و کتک کودک را از دروغ‌گویی بازدارند از همان اول بهر وسیله ایکه شده باو میفهمانند که دروغ و دزدی بر خلاف مقتضای فطرت بشریت بوده و شخص وظیفه‌شناس هرگز زبان خود را بدروغ آلوده نخواهد کرد گر چه این راه قدری دشوار است و نیازمند بصیر و حوصله میباشد ، ولی از نظر نتیجه گیری، حتمی و ضروری است چه کودک که این حقیقت را درک کند، هرگز گرد دروغ‌گویی نخواهد گشت گر چه زور و تهدیدی در میان نباشد .

روش تربیتی قرآن و وظیفه‌شناسی

شاید برخی از مردم چنین پندارند که مکتب‌های دینی هم در نحوه‌های تربیتی خود متوسل بوعده و وعید شده باز کر نعمت‌های بیکران بهشتی و نعمت‌های دوزخی مردم را بدینداری و ایمان بخدا و آخرت خوانده‌اند. پیش از آنکه در این باره پاسخی داده شود باید به نکاتی چند توجه داشت : (۱) دعوت دینی در هر زمانی نمیتواند اختصاص بجمعیت و عده معدودی داشته باشد بلکه باید متوجه عموم مردم بوده همگی آنان را بهدف دینی دعوت کند خداوند در قرآن میفرماید :

«وما ارسلناک الا کافه للناس» یعنی ما ترا برای همه مردم فرستادیم تا همه

مردم جهان از چراغ فروزان و درخشان هدایت تو بهره مند گردند (۲). این نکته نیز مسلم است که سطح استعداد عقلی افراد بشر در يك میزان و درجه قرار نگرفته است بلکه اختلاف فاحشی میان عقول و افهام بشری وجود دارد شاید نتوان دونفری را پیدا کرد که در مراتب عقل و فهم یکسان و همانند یکدیگر باشند .

در کتاب اصول کافی در باب عقل روایاتی وارد شده که حاکی است در روز رستاخیز قیامت محاسبه و مدافعه افراد بشری همه یکسان نبوده هر کس را مطابق درجه عقل و فهم او مورد بازپرسی و بازجوئی قرار خواهند داد .

از پیوند و انضمام این دو نکته موضوع تازه و جالبی بدست میآید و آن اینست که نحوه دعوت‌های دینی خواه توسط انبیاء و یا کتب دینی و آسمانی باید بطوری تنظیم شده باشد که بتواند دستجات گوناگون افراد بشری را بر راه سعادت دعوت کند مرد دانشمند با مردم بیسواد و ساده هر دو استفاده کرده از ارشاد و هدایتش نصیبی برده باشند. از رسول اکرم (ص) حدیثی اینچنین نقل شده است که فرمود : «نحن معاشر الانبياء نكلم الناس على قدر عقولهم» یعنی ما گروه انبیاء مطابق فهم و استعداد عقلی مردم سخن میگوئیم البته روشن است که انبیاء دستورات گوناگون نیاورده و بعدد جمعیت‌ها قوانین و احکام جعل و وضع نکرده اند . بلکه همان قانونی که آورده اند صلاحیت آن را دارد که جواب نیازمندیهای همه را داده و طبقات مختلفه از آن استفاده کنند .

این سبک و روش در نحوه دعوت قرآن بکار برده شده است واضح است که قرآن برای هدایت عموم مردم نازل شده و همه باید از جمال و کمال معنوی آن بهره مند بشوند و از اول تا آخر قرآن، همه دعوت انسان است بانجام دادن وظایف انسانی زیرا کمال و هدایتی که قرآن برای افراد انسانی نشان میدهد جز بعمل کردن وظایف انسانی حاصل نمیگردد . علاوه بر این اصول دین هم احکام و قوانین تازه و نوینی ایجاد ننموده بلکه همان وظایف و دستوراتی را که فطرت ما بدانها دستور میدهد مطرح نموده است دین نسخه ایست که از روی مزاج بشریت برداشته شده است لذا در تمام قوانین دینی شاید يك دستور نتوان پیدا کرد که با فطرت اولیه انسان تهاوت و تعارضی داشته باشد .

لذا اگر کسی برخلاف قوانین دینی قدم بردارد ؛ در واقع چنین کسی برخلاف فطرت و تکوین انسانی راه میسپاید . پروردگار جهان در سوره روم آیه (۲۹) میفرماید : «فأقم وجهك للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله»

یعنی چهره خود را متوجه دین و آئینی استوار و مستقیم بگردان آنچنان کیش و آئینی که خلقت و آفرینش مردم بر همان قرار یافته و در آفریده پروردگار تغییر و تبدیلی وجود ندارد هدف قرآن آنستکه مردم را بوظایف فطری خود وادارد تا در اثر عمل کردن بآن بسعادت برسند البته برای اینکه این اطاعت و وظیفه‌شناسی حاصل گردد قرآن از نظر اختلاف عقول و افهام راه‌هایی را در نظر گرفته و بالعین های گوناگونی مردم را باین اطاعت و وظیفه‌شناسی دعوت کرده است .

مثلاً مردمی که یکمرد در مقام سود و بهره برداری بوده و حیثیت و شئون ایشان جز تجارت و مباحه چیز دیگری نیست از راه تجارت و سودجویی وارد شده ایشان را بتجارت و سود بیکران دعوت کرده میفرماید :

« هل ادلكم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم » یعنی آیا شما را راهنمایی کنم بتجارتی که شما را از عذاب دردناک نجات می‌بخشد و در مقابل، دل‌بستگی بدنیا و اعراض از آخرت را ، تجارتی بی‌نفع و سود بیان کرده است « فماربحت تجار تهم و ما كانوا مهتدین » یعنی « تجارت آنها سود ننموده و هدایت نیافته‌اند » .

و همچنین برای مردمی که شوق و علاقه بعیش و کامرانی دارند اوصاف نعمت های لایزال بهشتی را بیان کرده و در مقابل، جمعی دیگر را از عذاب‌های دوزخ ترسانیده است . البته این نوع بیانات از آن نظر است که اینگونه مردم تاب و توان ، مانی دقیق‌تر و عالی‌تری رانداشته و جز از همین راه و طریق ممکن نبوده که بوظایف دینی خود قیام کنند .

ولی در خلال آیات و روایات بنوعه‌های دیگری برخورد میشود که در این قسم از اطاعت ، چیزی جز فرمان برداری و وظیفه‌شناسی در نظر گرفته نشده است و از این حقیقت میتوان بنام « اخلاص دینی » نام برد و بالاترین مرتبه اخلاص آنست که آدمی در انجام وظایف خود جز وظیفه‌شناسی و اطاعت چیز دیگری را منظور ننموده باشد در این مرحله چیزی که اثر ندارد همان وعده و وعیدهای بهشت و دوزخ است از همین روی اطاعت و فرمان برداری از خدا بعنوان طمع در نعمت‌های بهشتی و یا خوف از عذاب دوزخ در روایات بسیاری مورد تا اندازه‌ای انتقاد واقع شده و از اوئی بعنوان اطاعت مزدوران و از دومی بعنوان اطاعت بندگان نام برده شده است .

در کتاب کافی از امام صادق (ع) نقل میکنند که عبادت کنندگان سه دسته‌اند : جمعی خدا را برای ثواب عبادت کردند اینها مزدورانند و جمعی از ترس به عبادت پرداختند اینها بندگانه‌اند و عده‌ای از عبادت منظوری جز محبت خدا ندارند اینها آزاد مردانند